



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال چهارم / شماره شانزدهم / تابستان ۱۴۰۲



10.22034/icrs.2023.188458

سهم علمای مجاور شرقی در حیات فرهنگی و اجتماعی مکه

(سده‌های ششم تا نهم هجری)

فهمیم السادات سیدسالکی^۱ / معصومعلی پنجه^۲ / یونس فرهمند^۳

(۸۵-۶۴)

چکیده

در سده‌های میانه اسلامی شهر مقدس مکه شاهد شکل‌گیری پدیده دینی و اجتماعی «مجاورت» بود. شماری از علمای مسلمان که به قصد حج به مکه می‌آمدند، به‌طور موقتی یا دائمی در این شهر اقامت می‌گزیدند و مجاوران نامیده می‌شدند. بسیاری از این عالمان مجاور اهل سرزمین‌های شرقی، ماوراءالنهر، ایران و عراق بودند. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع اصیل، به‌ویژه تواریخ محلی و تراجم نامه‌ها، سهم این عالمان مشرقی در حیات فرهنگی و اجتماعی مکه بررسی شده‌است. این عالمان که غالباً به هدف دانش‌اندوزی به مکه می‌آمدند، به‌تدریج به بخشی از جامعه مکه بدل می‌شدند و در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی آن نقش ایفاء می‌کردند. بنابر داده‌های منابع بیشتر مجاوران مکه اهل عراق و ایران بودند. مجاوران شرقی در رشد و گسترش فعالیت‌های علمی در شهر مکه سهم بسیاری داشتند. حضور این عالمان مسجدالحرام را به یکی از مهم‌ترین مراکز علمی در سده‌های میانه بدل ساخت.

واژه‌های کلیدی: مجاورت مکه، علمای مجاور، مجاوران شرقی، مجاوران ایرانی، مجاوران عراقی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

fahimsaleki@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

panjeh@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Farahmand@srbiau.ac.ir

مقدمه

شهر مکه که پیش از برآمدن اسلام هم نزد عربان جایگاه والا و مهمی داشت، در دوره اسلامی اهمیتی چند برابر یافت. افزون بر وجود بیت‌الله الحرام، این شهر خاستگاه وحی بود و همچنین جایگاه برگزاری مناسک و فرضیه حج. در نتیجه از همان صدر اسلام مکه به یکی از کانونهای اصلی دینی و فرهنگی عالم اسلام بدل شد. بسیاری از بزرگان اسلام، همچون عبدالله بن عباس، به اقامت در مکه علاقمند بودند، به همین دلیل این شهر مکانی آموزشی برای دیدار طالبان علم با این بزرگان گردید و فرصت دانش‌اندوزی برای ایشان فراهم شد. این گرایش طلب علم در مکانی مقدس و دستیابی به آرامش معنوی در نزدیکی بیت‌الله الحرام، منجر به شکل‌گیری پدیده مجاورت شد. این‌گونه سنت مجاورت در فرهنگ اسلامی پدید آمد و رواج یافت.

در سده‌های میانه اسلامی علمای مسلمان از سرتاسر سرزمین‌های اسلامی به سوی مکه رهسپار می‌شدند و مناسک حج را به جای می‌آوردند. شماری از این عالمان ترجیح می‌دادند که برای مدتی، دائمی یا موقتی، در مکه سکونت گزینند. به طور کلی مقصود نهایی از این مجاورت، قطع هرگونه پیوندی با دیگر جوامع، عبادت و فرمانبرداری و اطاعت از پروردگار، علم‌پژوهی و کسب معرفت در جوار و قرب بیت‌الله الحرام بود. شمار زیادی از مجاوران مکه در سده‌های میانه خاستگاه شرقی، ایرانی یا عراقی، داشتند. این مجاوران در مکه چه می‌کردند؟ و در جامعه، اقتصاد و مهم‌تر از همه در فرهنگ چه سهمی داشتند؟ پرسش‌هایی است که این مقاله در پی پاسخگویی بدان‌ها است و می‌کوشد با تکیه بر تاریخ‌های محلی و تراجم‌نامه‌ها سهم این عالمان مجاور شرقی را در حیات فرهنگی و اجتماعی مکه طی قرون ششم تا نهم هجری بررسی کند. درباره ضرورت انجام این پژوهش نیز باید گفت که شناخت عمیق و کامل از تاریخ جوامع اسلامی مستلزم مطالعه درباره نقش گروه‌ها و قشرهای سازنده آن است. به دلیل نقش پررنگ و فراگیر علما در جوامع اسلامی به‌ویژه از قرن سوم هجری به بعد، بررسی نقش آنان در رویدادها و تحولات سیاسی- اجتماعی تصویری روشن‌تر از تاریخ این جوامع به دست خواهد داد، چرا که این گروه همچنان و هم اکنون نیز یکی از گروه‌های تاثیرگذار و صاحب مرجعیت علمی و اجتماعی در جوامع اسلامی هستند.

پیشینه

بنابر جستجوی نگارندگان مطالعات صورت گرفته درباره مجاورت و علمای مجاور همگی به زبان عربی است. *المجاورون في مكة وأثرهم في الحياة العلمية خلال الفترة من ۵۷۰ - ۶۶۰ ق/ ۱۱۷۴ - ۱۲۶۱ م*، نوشته عبدالعزیز بن راشد سنیدی از آن جمله است. این کتاب در اصل مقاله‌ای بلند بوده است که در کنگره مکه پایتخت فرهنگی جهان اسلام ارائه شده است. نویسنده در این اثر به تفصیل به جایگاه و نقش عالمان مجاور در مکه؛ اعم از عالمان شرقی یا غربی، پرداخته، اما مطالعه خود را به دوره ایوبیان و دهه نخست دولت ممالیک محدود کرده است. همچنین فاطمه محمد مبارکی در مقاله «اثر العلماء المجاورين في التأثير على الحياة العلمية والاقتصادية في مكة في العصر المملوكي»، به جایگاه و تاثیر عالمان مجاور در زندگی علمی و اقتصادی مکه در دوران ممالیک پرداخته شده است.

در چند مقاله نیز به سهم علمای مجاور غرب جهان اسلام (مغرب و اندلس) پرداخته شده است: یکی مقاله «المجاورون الأندلسيون و المغاربة في مكة المكرمة في رحلة ابن بطوطة»، نوشته وجدان فریق عناد است که نویسنده با تکیه بر سفرنامه ابن بطوطة به گوشه‌هایی از زندگی و فعالیت‌های عالمان مجاور اندلسی و مغربی در مکه قرن هشتم هجری اشاره کرده است. دودیگر «العلماء المجاورون بمكة: نموذج للملتقيات العلمية بمكة في العصر الوسيط»، نگاشته ابراهیم القادری بوتشیش است. در این مقاله نویسنده نمونه‌هایی از زندگی عالمان مجاور در مکه را بررسی کرده که عمدتاً پیش از دوره ایوبیان و ممالیک در مکه مجاور شده بودند. سوم مقاله «علماء المغرب الأوسط المجاورين لمكة والمدینة و اسهاماتهم في علوم القرآن وعلم الحديث»، نوشته مکاتی توهامی است که در آن به سهم عالمان مغرب میانه (الجزایر) در نشر علوم قرآنی و حدیث در مکه و مدینه پرداخته شده است.

در زبان فارسی تنها مقاله‌ای که در آن اشاراتی به مجاوران شده، مقاله ارزنده و سودمند «رباط رامش: خدمات و اقدامات تاجری ایرانی در مکه در سده ششم هجری» نوشته منصور داداش نژاد است. در این مقاله به خدمات ابو القاسم رامش (د ۵۳۴ ق) که تاجر بود نه عالم، در مکه پرداخته شده است. خدماتی چون ساخت رباط، تهیه جامه کعبه و ساختن ناودان طلا برای آن. در رباط رامش شماری از علمای مجاوران سکونت یافته بودند و از این روی در این مقاله از آن‌ها یاد شده است.

چنان‌که روشن شد از مقالات بالا سه مقاله درباره علمای مجاور مغربی و اندلسی است که اساساً با مقاله حاضر همپوشانی ندارد؛ و تنها از جهت آنکه وضعیت مطالعات این حوزه به دست داده شود، نام آنها آورده شده؛ دو مقاله دیگر به رویکرد کلان به همه مجاوران مغربی و مجاوران شرقی پرداخته‌اند که

البته در این مقاله از آن دو مقاله بهره‌برده شده، اما مقاله حاضر نخستین مقاله‌ای است که اختصاصاً به علمای مجاور مشرقی و سهم آنها در حیات اجتماعی و فرهنگی مکه می‌پردازد و از نظر ساختار، محتوا و تحلیل و شمار منابع دیده‌شده متمایز از مقالات پیشین است.

شکل‌گیری پدیده/ سنت مجاورت

«مُجاوَرَة/ مُجاوَرَت» از «جوار» مشتق شده و در لغت به معنای همسایه بودن است، و آنکه با شما و در کنار شما صحبت می‌کند؛ جاوره، مُجاوَرَة و جَوَارًا و جَوَارًا یعنی «او را ساکن کرد و در خانه نشاند» (ابن-منظور، ۲۰۱۰، ج ۱: ۷۲۴؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۶۱۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۹: ۳۶۹). مجاورت را در اصطلاح به معنای انقطاع دنیوی برای پرداختن به عبادت و طلب علم در کنار حرمین شریفین معنا کرده‌اند (زیلعی، ۱۴۰۱: ۱۳۷). همچنین به اقامت در مکه که نزد مسلمانان دارای فضیلتی والاست، اشاره دارد (ترمذی، ۱۹۹۶، ج ۳: ۱۵۸). مجاورت آنجا که ظاهری دینی و اجتماعی می‌یابد، اقتضا می‌کند در محلی مقدس و شریف و با فضیلت انجام گیرد و از صدر اسلام تاکنون همین گونه ادامه داشته است و بنا بر میل و رغبت مجاوران، با انگیزه‌های مختلف و شرایط محیطی متفاوت، گسترش یافته و پا بر جا مانده است (توهمی، ۲۰۱۲: ۱۳۷).

مکه به‌عنوان خاستگاه اسلام بی‌شک مهمترین و مقدس‌ترین مکان در جهان اسلامی است. اصل وجودی «مجاورت» به فضیلتی که مکه و اقامت در آن نزد مسلمانان دارا بوده‌است، برمی‌گردد. در روایتی از حضرت رسول (ص) درباره مکه آمده‌است: «قسم به پروردگار تو بهترین زمین خدا هستی و زمین خدا را برای خدا دوست می‌دارم و اگر مجبور به خروج نبوم، هرگز از تو بیرون نمی‌رفتم». (ترمذی، ۱۹۹۶، ج ۶: ۲۰۷) و نیز فرمودند: «چقدر تو پاکی و دوست دارم! اگر مجبور به خروج به واسطه فشار قوم نبوم، غیر از تو در جای دیگر زندگی نمی‌کردم». (ترمذی، ۱۹۹۶، ج ۶: ۲۰۸)

مجاوران کسانی بودند که از اقصای نقاط جهان اسلام به قصد حج آمده‌اند و طی قرن‌ها در مکه ساکن شده‌اند. ایشان با ساکنان شهر درهم آمیختند و در جامعه مکه ادغام شدند، به طوری که بخشی از ساختار اجتماعی آن گشتند. با این تفاوت که در اصل از یک طبقه نیستند. برخی از ایشان افراد برجسته و دانشمندان و دانش پژوهان طالب علم‌اند و در میان آنها بازرگانانی هستند که برای تجارت به مکه آمده‌اند و در آنجا اقامت گزیدند، ازدواج کردند و مستقر شدند. از میان ایشان عده‌ای برای عبادت در کنار بیت الله الحرام و یا مسجدالنبی ماندگار گشتند که در میانشان صوفی و زاهد دیده می‌شود. ایشان

متعلق به ملیت‌های مختلف‌اند. از ایرانی و عراقی گرفته تا شامی، مغربی، و مصری که هر گروه طبق آداب و رسوم خود در محله خاص خود زندگی می‌کردند. ایشان با یکدیگر معاشرت و اختلاط داشتند، آنگونه که دارای یک هدف مشترک گشتند. (باقاسی، ۱۴۰۰: ۸۰؛ مالکی، ۱۴۰۳: ۱۱۱).

در تحلیل فرایند کندی و یا شتاب مهاجران به مکه مکرمه، علاوه بر شور و اشتیاق مسلمانان (ابن فرضی، ۱۹۵۴، ج ۱: ۲۲۹) به سوی کعبه آمال خویش، عوامل دیگری چون تجرد از امور دنیوی، وجود یا عدم ثبات سیاسی در کشورها (ابن فرضی، ۱۹۵۴، ج ۱: ۲۲۰؛ بوتیشیش، ۱۴۳۳: ۹۶)، احساس امنیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مکه (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ج ۱: ۱۸۹؛ فریق عناد، ۱۳۹۹: ۳۵۴) تأثیر داشت. علاوه بر اینها حسن روابط یا عدم آن بین حکومت‌ها با خلفای عباسی و با امرای مکه فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۳۹۵)، قابل تأمل است.

بنابر گزارش سنیدی از سال ۵۷۰ تا ۶۶۰ هجری کل مجاوران اعم از عالم یا غیرآن به همراه خانواده که از شرق و غرب جهان اسلام به مکه آمدند، ۱۵۸ نفر بودند که ۳۹ نفر از عراق، ۲۹ نفر ایرانی، از اندلس ۲۷ نفر، از مصر ۲۱ نفر، از شام ۱۶ نفر، مجاوران مغربی ۱۴ نفر و از یمن ۱۲ نفر در مکه مجاور شدند. افزایش مجاوران عراقی، ناشی از نفوذ عباسیان و در نتیجه امنیت در جاده‌های متصل و منتهی به اماکن مقدس اسلامی در حجاز بود. (سنیدی، ۱۴۲۶: ۲۵) همچنین رشد و شکوفایی جنبش علمی در عراق و به‌ویژه مرکز خلافت بغداد، عامل دیگری بود که شمار مجاوران عراقی را نسبت به مجاوران دیگر در سرزمین‌های اسلامی در صدر قرار داد. از مجاوران عراقی، ۱۶ تن مجاور دائمی و ۲۳ تن برای مدت محدودی در مکه بودند، که تعدادی از ایشان، جهت تصدی برخی مشاغل و براساس دستورات مقامات به مکه آمده بودند (سنیدی، ۱۴۲۶: ۲۶). چنانچه مدت اقامت ایشان کمتر از یک سال بود، از مجاوران موقت محسوب می‌شدند. دیگر مجاوران، از واسط، اربل و دیگر شهرهای شمال بین‌النهرین بودند. از مجاوران ایرانی، که بیشتر از خطه خراسان و نیشابور بودند، ۱۶ تن دائمی و ۱۳ تن به صورت محدود مجاور گشتند. (سنیدی، ۱۴۲۶: ۲۶) چون عبدالسلام بن ابی المعالی بن ابی الخیر کازرونی (د. ۶۲۸ق) که اکثر عمرش را در مکه اقامت گزید. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۳۱) و قیصر بن آقسقر بن عبدالله ترکمانی (د. ۶۴۷ق). (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۸۱) بیشترین مهاجرت و سکونت ایرانیان از قرن هفتم تا نهم هجری بود. با آنکه بدرفتاری مردم حجاز با ایرانیان شیعه، جان آنان را به خطر می‌انداخت؛ بسیاری از دانشوران ایرانی سالها در مکه ساکن گشتند و برخی از آنان در فتنه‌های برخاسته از تعصب دینی کشته شدند. (جعفریان، ۱۳۹۳: ۲۷)

جدول شماره ۱: علمای مجاور مکه از قرن ششم تا نهم هجری (۹۰۲-۵۷۰ق)

نام کشور	قرن ۶	قرن ۷	قرن ۸	قرن ۹	جمع
اندلس	۵	۱۶	۴	۱	۲۶ (۱۱/۴ درصد)
مغرب	۴	۹	۱۳	۷	۳۳ (۱۴/۵ درصد)
مصر	۲	۱۴	۱۲	۹	۳۷ (۱۶/۲ درصد)
شام	۲	۱۰	۴	۴	۲۰ (۸/۸ درصد)
یمن	۱	۶	۲	۳	۱۲ (۵/۲ درصد)
عراق	۲	۲۶	۴	۲	۳۴ (۱۴/۹ درصد)
ایران و فرارود	۱۴	۳۱	۹	۱۱	۶۵ (۲۸/۶ درصد)
جمع	۳۰	۱۱۲	۴۸	۳۷	۲۲۷

منبع: نگارندگان مقاله

نتایج بررسی‌های آماری

- (۱) در قرون ششم تا نهم هجری بیشترین شمار عالمان مجاور از ایران و فرارود بوده است.
- (۲) از مجموع تعداد ۲۲۷ نفر عالمان مجاور در مکه، به ترتیب ایران با ۶۵ نفر، مصر با ۳۷ نفر، عراق با ۳۴ نفر، مغرب با ۳۳ نفر، اندلس با ۲۶ نفر، شام با ۲۰ نفر و یمن با ۱۲ نفر، بیشترین فراوانی را داشتند.
- (۳) در قرن ششم در مجموع ۳۰ نفر مجاور مکه مکرمه شده‌اند. از این تعداد، ایران و فرارود با ۱۴ نفر و اندلس با ۵ نفر بیشترین مهاجرت را به سوی مکه داشته و کمترین آن مربوط به یمن با یک نفر است.
- (۴) در قرن هفتم جمع مجاوران به ۱۱۲ نفر می‌رسد. که ایران با ۳۱ نفر و عراق با ۲۶ نفر بیشترین مجاور را داشته‌اند و کمترین آن از یمن با ۶ نفر است.
- (۵) در قرن هشتم شاهد کاهش عالمان مجاور به ۴۸ نفر هستیم. مغرب به ۱۳ نفر و مصر با ۱۲ نفر دارای بیشترین مجاور است و کمترین آن به یمن با ۲ نفر تعلق دارد.
- (۶) در قرن نهم با مجموع ۳۷ نفر، ایران و فرارود با ۱۱ نفر و مصر با ۹ نفر بیشترین مجاور را دارند، و کمترین مجاور متعلق به اندلس با ۱ نفر است.

واگذاری اداره امور حرمین به ایرانیان

پیشینه: با آنکه موقعیت مصر به لحاظ نزدیکی به مکه و تسلط بر شام و تامین مایحتاج اهالی حجاز از این گذرگاه، نسبت به ایران بهتر بود، با این حال از قرن سوم تا ششم (طبری، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۶۳۰) خصوصاً در عهد محمد بن عبدالله بن طاهر (۲۵۹-۲۴۸ ق) عمل الحرمین از سوی خلیفه عباسی به ایران واگذار گردید. (ابن تغری بردی، ۱۳۴۸، ج ۴: ۱۱۲) که برای طاهریان اعتبار زیادی به همراه داشت. گو اینکه نتوانستند از این امتیاز بهره کافی ببرند و پس از مرگ محمد بن عبدالله دیگر این منصب به جانشینان وی واگذار نشد. (ابن تغری بردی، ۱۳۴۸، ج ۴: ۶۲۷)

بعد از سلسله طاهریان، در عهد صفاریان نیز مجدداً این منصب از سوی خلیفه بغداد به ایرانیان واگذار گردید و مقرر شد عمرو بن لیث (د. ۲۸۹ ق) هر سال یک میلیون درهم مالیات پرداخت نماید. هدف خلیفه عباسی هر چه بود باعث برتری و پیروزی صفاریان نسبت به طولونیان در مصر می‌گردید.

خاندان نیشابوری (قرن ۴)، اصفهانی (قرن ۵)، نهاوندی (قرن ۶)، اصفهانی (قرن ۷)، زرنندی (قرن ۸)، - شوشتری (قرن ۸)، وکازرونی (سده ۹ و ۸). خاندان های معروف ایرانی مجاور در حرمین شریفین، مصدر خدمات بسیار و دارای مناصب بودند. (سخاوی، ۱۳۹۹، ج ۶: ۲۳) از جمله زاهر بن رستم اصفهانی (د. ۶۰۹ ق) امام جماعت شافعی در مسجد الحرام است. (ابن فهد، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۷؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۴۲۶) علی بن داوود بن علی گیلانی (د. ۸۴۲ ق) و سعید بن محمد زرنندی (د. ۸۷۴ ق) صاحب منصب قضاوت در مکه و مدینه. (ابن فهد مکی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۰۲۵) هم چنین بسیاری از مؤذنان حرم در سده ۹ و ۸ هجری از خاندان کازرونی بودند که نسبشان به محمد بن روزه می‌رسید و در دوران نواده اش محمد بن احمد که قاضی شافعیان بود، به شهرت رسیدند. (سخاوی، ۱۳۹۹، ج ۶: ۲۳)

از دیگر علل کثرت مجاوران ایرانی در مکه مکرمه به مذهب شافعی از مذاهب چهارگانه اهل سنت مرتبط است که در ایران پیروان بسیار داشت. چرا که در مسجد الحرام، جایگاه برتر یعنی امامت مقام ابراهیم و قضاوت در مسجد الحرام، از آن فقیهان شافعی بود.

در تحلیل حضور مجاوران سایر کشورهای دور و نزدیک، می‌توان ایجاد تشکلاتی در قالب هیأت های علمی را عنوان نمود. سعی تمام مجاوران احیاء و تبدیل مکه به قطب بزرگ فرهنگی-علمی-دینی، با جذب سایر طلاب علم و صیانت از کتب مهم علمی و مرجع و نشر آن ها تا دورترین نقاط سرزمین

های اسلامی بود. آنها توفیق آن را پیدا کردند که مکه را به بالاترین مقام علمی قرون میانه اسلامی برسانند.

از مهمترین خاندان های علمی معروف مجاور مکه خاندان قدیمی طبری است؛ که از حیث قدمت و تعداد عالمان زن (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۸: ۲۳۴) و مرد، در طول ۶ سده تا قرن ۱۳ هجری در مناصب قضاوت، فتوی، تدریس، امامت، خطابه و تاریخ درخشیدند. (دهام، ۱۴۲۸: ۱۸۹) نخستین فرد این خاندان ابومعشر الطبری بود که در ۴۸۸ هجری به مکه آمد. (دهام، ۱۴۲۸: ۱۹۰) ایشان همگی از یک تبار نیستند: ۱- شیبانیون که نسبشان به عمرو بن العلاء الشیبانی می رسد. ۲- حسینیین که نسبشان به حسین بن علی بن ابیطالب می رسد. ۳- طبریان نسل ابن النجار (د. ۶۶۰ ق). (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۵۱) که چهار نفر بیشتر نیستند. ۴- ابا معشر طبری معروف به القطان. (دهام، ۱۴۲۸: ۱۹۱)

دیگر: خاندان قسطلانی، خوارزمی، عسقلانی، فاسی، اربلی، نویری، مرزوقی، تجیبی سبتی. جهانگردان سفرنامه نویس چون ابن جبیر، ابن عبدی، ابن بطوطه، ناصر خسرو، و بسیاری دیگر از بزرگان ادیب و فرهیخته سعادت حضوری مدت دار را در حرم شریف داشتند. گروهی از مجاوران سالهای کمتری برخی دیگر تا هنگام وفات، در مکه باقی ماندند. (عبیکان، ۱۴۱۶: ۱۴۴) از جمله مجاورانی که یک سال تمام در مکه اقامت گزیدند، محمد بن علوان بن مهاجر موصلی (د. ۶۱۵ ق/ ۱۲۱۸ م) (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۷۴) و دیگری ابوبکر بن احمد بن عمر البغدادی (د. ۶۴۳ ق/ ۱۲۴۵ م) بودند. (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۱۴۰) در میان علمای ایرانی که در مکه بیش از یک بار مجاور بودند، محمد بن ابراهیم بن احمد فارسی (د. ۶۲۲ ق/ ۱۲۲۵ م) است. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۹۳) عبدالسلام بن ابی المعالی بن ابی الخیر کازرونی (د. ۶۲۸ ق) بیشتر عمرش را در مکه اقامت گزید. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۳۱) از مجاورانی که از نیمه عمر خویش در طلب علم در مکه مقیم شدند، می توان زاهر بن رستم بن ابی رجاء اصفهانی بغدادی (د. ۶۰۹ ق/ ۱۲۱۲ م) را نام برد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۴۲۷) مجاورانی نیز چون مرگ را به خویش نزدیک دیده، در صدد برآمدن به مکه آمده تا در آن خاک مقدس، توفی یابند. چون عبدالمحسن بن ابی العمید بن خالد ابهری حنفی (د. ۶۲۴ ق/ ۱۲۲۶ م) که سیف بن حسن شهرآبای (د. ۵۸۲ ق/ ۱۱۸۶ م) که در آخرین سال زندگی خود به مکه مشرف گردید و در همان جا وفات یافت. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۸۰)

مناصب و مشاغل مجاوران

الف: امامت و قضاوت

شماری از مجاوران مشاغل و وظائف حکومتی، مذهبی و علمی را در مکه اعم از رسمی و غیررسمی عهده‌دار بودند و انجام این وظایف دلیل مجاورت تعدادی از مشهورترین عالمانی بود که در آن زمان نقش فعالی در حیات اجتماعی و فرهنگی مکه داشتند. از مهم‌ترین مناصبی که در مکه به این افراد واگذار می‌گردید، امامت مقام ابراهیم (ع) بود که به عالمان مجاور شافعی مذهب که در گوشه و کنار مسجدالحرام پراکنده بودند، از سوی خلیفه عباسی سپرده می‌شد. (سنیدی، ۱۴۲۶: ۳۳) محمد بن جعفر بن احمد عباسی (د. ۵۹۵ ق) که امامت و منصب قضاء را برعهده داشت. وی از سال ۵۷۹ ق تا سال ۵۸۴ ق در همین مناصب باقی ماند. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۳۷) و محمد بن ابی بکر طوسی (د. ۵۹۸ ق) (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۳۴) و محمد بن علوان بن هبه الله تکریتی حوطی که بعد از طوسی به امامت رسید. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۳۹؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۴۷) و یونس بن یحیی هاشمی قصار بغدادی (د. ۶۰۸ ق). (فاسی، ۱۴۰۴، ج ۷: ۵۰۰) و زاهر بن رستم اصفهانی بغدادی (ابن نقطه، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۳۲؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۶۲۴) و عبدالمحسن بن ابی عمید بن خالد ابهری حنفی که در سال ۶۲۳ ق / ۱۲۲۶ م متولی امامت این مقام گشت. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۹۴) و محمد بن یوسف بن موسی ازدی معروف به ابن مسدی، که بعد از افول عباسیان در مکه، منصب امامت و خطابه در مسجدالحرام توسط اشراف مکه به وی تفویض گردید. (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۶۶؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۴۰۸)

از جمله عالمان حنبلی که به امامت مسجدالحرام رسیدند: مبارک بن علی بن حسین بغدادی معروف به ابن طبایح (د. ۵۷۵ ق / ۱۱۷۹ م). (ابن رجب، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۶۴؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۱۲۰) و محمد بن عبدالله بن حسین هروی اشکیذبانی (د. ۵۹۰ ق / ۱۱۹۳ م). (ابن رجب، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۸۱) و سلیمان بن شاذی بن عبدالله ازجی بغدادی (د. ۶۰۸ ق) که بعد از هروی متولی شد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۴: ۶۰۶) و نصر بن محمد بن علی نهاوندی بغدادی معروف به الحصری (د. ۶۱۹ ق). (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۳؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۳۳۲) اما درباره مقام حنفی که امامت مسجدالحرام را برعهده داشتند، منابع تنها به یک نفر اشاره دارد و او ابوبکر بن ابی الفتح بن عمر سجزی (د. ۶۲۰ ق) است. (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۳۵۹؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۸: ۱۹-۱۸) به نظر می‌رسد که پس از وی، این مقام به اخلافش رسیده است؛ که علی بن یوسف بن ابوبکر و پسرش عبدالله بن علی (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۶: ۲۷۷) از آن جمله اند. (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۳۵۹)

در منصب قضاوت خاندان بزرگ طبری از قرن هفتم درخشیدند. محب الدین طبری (د. ۶۹۴ ق) نخستین فرد از این خاندان است که از نظر علمی به شهرت رسید. فرزندش محمد بن عبدالله معروف به جمال الدین طبری (د. ۶۹۵ ق) نیز افزون بر تدریس، به منصب قضاوت مکه دست یافت. (مونس، ۱۹۸۴: ۵۸-۵۳) احمد بن محمد بن عبدالله نیشابوری (د. ۳۵۱ ق) و طاهر بن محمد بروجردی (د. ۵۲۸ ق) و عبدالملک بنابی مسلم نهاوندی از دیگر قضات مکه بودند. (سخاوی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۴۰۸؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۱۵۷، ج ۵: ۵۱۶)

ب: اذان گویی

حضور ایرانیان به ویژه خاندان کازرونی در سمت مؤذن در سده های هشتم و نهم در حرم چشمگیر بود: عبدالسلام بن ابی المعالی بن ابی الخیر کازرونی (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۳۱) و پسرش محمد (د. ۶۵۵ ق) (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۴۵-۱۲۱) و دیگر: محمد بن عرفه بن محمد اصفهانی (د. حدود ۶۳۷ ق) که اذان گوی مخصوص گنبد چاه زمزم بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۴۰)

ج: شیخوخیت حرم

منصب شیخ حرم که صاحب رأی در امر معماری و مصالح مسجدالحرام بود، به کسانی اختصاص می یافت که در دانش سرآمد بودند؛ از این رو تعدادی از علمای صاحب نام مجاور این منصب را برعهده داشتند. از خاندان نیشابوری می توان از دو تن نام برد: محمد بن ابراهیم بن منذرنیشابوری (د. ۳۱۸ ق). (ابن فهد، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۶۸؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۰۶) و محمد بن ابراهیم بن یوسف نیشابوری (د. ۳۴۸ ق). (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۴۰۸) دیگر: یحیی بن یاقوت بن عبدالله حرمی بغدادی (د. ۶۱۲ ق). (ذهبی، ۱۴۰۸: ۱۲۴) و علی بن مظفر بن علی بن نعیم سلامی بغدادی معروف به ابن حبیرات (د. ۶۲۶ ق). (منذری، ۱۴۰۱، ج ۳: ۲۴۱؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۳۷۲) و بشیر بن حامد بن حامد بن سلیمان هاشمی تبریزی (د. ۶۴۶ ق) و منصور بن محمد بن عبد بن عبدالکریم زعفرانی بغدادی معروف به ابن منعه (د. ۶۶۴ ق)، و سعد بن علی بن زنجانی (د. ۴۷۰ ق) و سعید بن منصور معروف به ابو عثمان خراسانی (ذهبی، ۲۰۰۴، ج ۱۰: ۵۸۶) و عبدالجبار بن ابراهیم معروف به ابونصر اصفهانی (قرن ۵) از جمله شیوخ حرم بودند. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۳۷۲؛ ج ۵: ۳۲۴)

فعالیت‌های علمی و فرهنگی

دانش‌اندوزی، تدریس و نگارش کتاب مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت عالمان مجاور بود. ایشان در همه شاخه‌های دانش‌های شناخته شده آن روزگار به‌ویژه دانش‌های اسلامی و ادبی فعالیت می‌کردند. با افزایش تعداد افراد مجاور و تمایز علمی میان آنها در آن زمان، فرصتی در اختیار صاحبان مدارس مکه و رباط‌ها قرارگرفت که افزایش یابند؛ به طوری که اختصاص دادن برخی از وظایف آنها به ویژه وظایف آموزشی به مجاوران، محول گردید. محمد بن عمر بن محمد بن عمر بن حسن تورزی قسطلانی مالکی مذهب معلم مدرسه ابن حداد و علم حدیث در مدرسه منصوریه بود. (ابن کثیر، ۱۳۵۰، ج ۱۳: ۱۸۳؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۲۸۶-۲۸۵) جعفر بن عبدالرحمن بن جعفر صقلی بجایی (د. ۶۴۴ ق) که مشغول تدریس علم حدیث در همان مدرسه بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۳۲-۲۳۱) محمد بن احمد بن علی بن محمد قسطلانی هم نزد پدرش در مکتب دار زبیده در حرم شریف تدریس داشت. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۳۲۲) خضر بن عبدالواحد بن علی بن ابی المنی حلبی معروف به ابن سابق. وی در مدرسه زبیده و مدرسه مظفریه به تدریس اشتغال داشت. (ابن عدیم، بی تا، ج ۷: ۳۳۱۸) صدیق بن یوسف بن قریش در مدرسه زنجیلی تدریس می‌کرد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳۹-۴۰۵) ناصر بن عبدالله بن عبدالرحمن بن حاتم مصری عطار (د. ۶۳۴ ق) در آن زمان به مدرسه ارسوفی بازگشته بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۳۱۷-۳۱۶) و ابوبکر بن عمر بن شهاب همدانی (د. ۶۴۷ ق) که در رباط خاتون (۵۷۷ ق) در مسجدالحرام به تدریس اشتغال داشت. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۸: ۱۸)

تعدادی از مجاوران نیز به فعالیت و تدریس در مجالس ثابت و حلقه‌های متنوع علمی در مسجدالحرام مشغول بودند؛ چون زاهر بن رستم اصفهانی بغدادی (د. ۶۰۹ ق) و یونس بن یحیی هاشمی قصار بغدادی و محمد بن اسماعیل بن ابی صیف. (مراکشی، بی تا: ۲۱۲-۲۰۹)

الف- لغویان و مفسران: یکی از برجسته‌ترین علمای مجاور در علم لغت عالم ایرانی محمد بن یعقوب بن محمد فیروزآبادی شیرازی شافعی بود. وی که در سال ۷۲۹ در شیراز تولد یافت، به مکه رفت و آنجا مجاور شد. فیروزآبادی دوست داشت منسوب به مکه و هر آنچه می‌نویسد مربوط به حرم‌الله باشد و به آنجا تعلق داشته باشد. وی با پناه بردن به حرم خداوند، در فراگیری روایات و احادیث می‌کوشید و علم فقه را آموخت ولیکن پیوندش با این دو علم قوی نیست. وی در فراگیری علوم سعی زیادی داشت خصوصاً علم زبان‌شناسی که در این علم ید طولایی دارد و در این علم کتاب‌هایی تالیف نمود که مهم‌ترین آنها *القاموس المحيط*، بزرگ‌ترین معجم لغت و زبان و یکی از برجسته‌ترین فرهنگ‌های لغت

زبان عربی است و مانند *الصالح* مورد اعتماد پژوهشگران و سبب شهرت وی در عرصه زبان‌شناسی گردید. فیروزآبادی تالیفات دیگری دارد از جمله آنها: کتاب *مهیج الغرام الی البلد الحرام* و کتاب *تعین الغرفات للمعین علی عرفات* و کتاب *الوصل و المسنی فی فضایل منی* و کتاب *آثاره الشجون لزیاره الحجون* را می‌توان برشمرد. وفات وی به سال ۸۱۷ هجری. در زبید، در حالی که ۹۰ سال داشت، اتفاق افتاد و همانگونه که خودش آرزو داشت در مکه مدفون گردید. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۳۹۲-۴۰۰؛ سخاوی، ۱۳۹۹، ج ۱۰: ۷۹-۸۶). یکی از مفسران برجسته مجاور در این دوره محمود بن عمر زمخشری خوارزمی (د. ۵۳۸ق) بود که به واسطه مجاورت مکه «جارالله» زمخشری نامور گشته است. وی *تفسیر الکشاف* خود را در مکه تدریس می‌کرد. کتاب *اساس البلاغه، نوابغ الکلم، اطواق الذهب*، و *الا مکنه و الجبال و المیاه* از دیگر آثار اوست. (دهام، ۱۴۲۸: ۲۳۱)

ب - **فقیهان و محدثان**: از علمای حدیث می‌توان از جعفر بن محمد بن آموسان اصفهانی ملنجی (د. ۶۰۷ق) یاد کرد. وی در دانش حدیث و شناخت علوم مربوط به آن توجه و احاطه کامل داشت. حدیث بسیار می‌دانست و در علم روایه الحدیث استاد بود. وی با کسب بالاترین درجات علمی، شاگردان از وی کسب فیض کردند. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۹۷؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۲۳۱)

زاهر بن رستم اصفهانی بغدادی، از دیگر روات ثقه و معروف و صحیح الاستماع در مکه بشمار می‌رفت که نادره روزگار خود محسوب می‌شد. وی پساز مجاورت؛ در علم حدیث به تعداد بیشماری از طلاب مکی و حتی خارج از شهر بهره رسانید.

محمد بن محمد بن ابی القاسم اصفهانی ملنجی قطان (د. ۶۱۲ق) یکی دیگر از عالمانی بود که حافظ احادیث بسیار و استاد در روایه الحدیث بود چنانکه گفته اند: «وی محدث و حافظی ممتاز در این علم، با اکرام به شاگردان خود، صمیمی و مخلص در برابر مردم، دارای ذوق و اشتیاق به درک روایات و سعه صدر بود.» (ذهبی، ۱۴۰۸: ۱۱۹)

نصر بن محمد بن علی نهاوندی بغدادی معروف به حصری از محدثان برجسته در مکه بود. وی که جزء حفاظ بشمار می‌رفت، از تعداد بسیاری از محدثین و علما سمع حدیث کرد تا آنکه خود. یکی از حافظان حدیث شد. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۳: ۷۰-۶۹؛ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۲۷: ۵۳؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷: ۳۳۴-۳۳۲) ابن نجار می‌گوید: «وی در فنون حدیث از حافظان، آشنا به علوم حدیث، نیکومنش، با اخلاق، بسیار فاضل، قوی حافظه، ثقه، صادق، پاکدامن، با فضیلت، از بزرگان دین اسلام و از جمله امامان مسلمانان به شمار می‌رفت.» (دمیاطی، ۱۴۰۶: ۴۱۱-۴۱۰) او در مکه حدیث آموخت و مردمی

بیشمار اعم از امامان جماعت و حافظان، از وی سمع کردند. (ابن رجب، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۳۲-۱۳۰) وی اکثراً از کتاب مسند شافعی و سنن ابی داوود و سنن نسائی بهره می برد. (ابن نقطه، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۰۷؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۶: ۱۳۶).

عبدالحسین بن ابی عمید بن خالد ابهری حنفی (قرن ۷) یکی از معتمدین در نقل روایت و حافظ احادیث که در پی کسب دانش و سمع حدیث از علمای همدان و بغداد و اصفهان و دمشق و قاهره و اسکندریه و مکه، به این شهرها مسافرت کرد و بعد از ارتقاء به بالاترین درجات علم و دستیابی به صلاحیت درخشان در برخی شهرها و از جمله مکه مکرمه، پس از مجاورت در این شهر، تا هنگام وفات در همان جا زندگی کرد. (ذهبی، ۱۴۰۸: ۱۸۴-۱۸۳؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۴۹۴) در این مدت به طلبی که در مکه نزد وی تحصیل علم می کردند، اجازه علمی داد. از جمله ایشان امام عبدالعظیم منذری (ذهبی، ۲۰۰۴، ج ۲۲: ۲۴۸-۲۴۷) و عبدالعزیز بن محمود بن عبدالرحمن معروف به عصار (د ۶۲۷ ق / ۱۲۲۹ م) می باشند. ابهری در مدت مجاورتش در مکه، در زمره کسانی بود که در دانش حدیث تبحر داشت و از محبوبیت بسیاری برخوردار شده و احادیث بسیاری به خط خوش و کتاب *الجمع بین الصحیحین* از حمیدی را به اختصار نوشت. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۳: ۴۶۴؛ ذهبی، ۱۴۰۸: ۲۶۳) صالح بن محمود کرمی اصفهانی دیگر دانشمندی بود که پس از استقرار در مکه به دانش حدیث و فراگیری آن مشغول شد و دانشجویان بسیاری را در این راه تربیت کرد و پرورش داد پس از آنکه به ایشان اجازه نقل روایت و تدریس عطا نمود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۵: ۳۰-۲۹) بشیر بن حامد بن سلیمان هاشمی تبریزی نزد علمای شافعی فقه آموخت تا از برجسته ترین فقها و استادان در اصول مذهب شافعی و شعب آن گشت. او قبل کوچ به مکه و پیش از دستیابی بدین مرتبه بلند علمی، در مدارس نظامیه بغداد معید بود. با شروع اختلافات بین روسای بغداد وی به سوی مکه آمد. تدریس و فتوی را به عهده گرفت و شاگردان بسیاری از وی بهره بردند. (سبکی، ۱۴۱۳، ج ۸: ۱۳۴-۱۳۳؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۳۱۷)

محمود بن عبیدالله بن صاعد طایکانی مروزی (د. ۶۰۶ ق / ۱۲۰۹ م). وی مذهب حنفی داشت و چنان به رموز این مکتب و اختلافات میان مذاهب عالم بود که قبل از مهاجرت به مکه در زمره رهبران و امامان مذهب حنفی و اختلافات آن شناخته شد. وی در مکه مدرس بود. (قرشی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۴۴۴؛ منذری، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۷۵)

ج - مورخان : شماری از مجاوران به تدریس و نگارش تاریخ و مقاتل پرداختند. الموفق بن احمد بن محمد المکی الخوارزمی (د. ۵۴۸ق) معروف به «اخطب خوارزم» فقیه، محدث، ادیب، شاعر و سیره نگار. از آثارش می توان به مناقب الامام ابی حنیفه ، مقتل امیر المؤمنین، مقتل الامام السبط الشهید، مقتل الحسین، فضایل امیر المؤمنین و دیوان اشعار اشاره داشت. (رنجبر، ۱۳۸۳ : ۲۴) محمد بن محمود بن محمد بن حسن خوارزمی (د. ۶۵۵ق)، قاضی و خطیب خوارزم از جمله فقیهانی است که در مذهب حنفی مدرس و مؤلف کتاب یتیمه الدهر فی فتاوی اهل العصر بود. (قرشی، ۱۳۹۸، ج ۳ : ۳۶۵) وی همچنین صاحب کتابی در حدیث است که در آن مسند امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت (د. ۱۵۰ق) را تنظیم و جمع آوری کرده است. (قرشی، ۱۳۹۸، ج ۳ : ۳۶۱) دیگر از خاندان خوارزمی محمد بن اسحاق خوارزمی (د. ۸۲۷ق) نویسنده کتاب إثارة الترغیب و التشویق الی المساجد الثلاثة و البيت العتیق است. وی در اثر خود احادیث و اخبار مربوط به فضایل مسجد الحرام، مسجد نبوی و بیت المقدس را جمع آوری کرده است. و نیز سعد الدین محمد بن عمر بن محمد بن علی اسفراینی (د. ۷۸۶ق). وی کتاب زبده الاعمال و خلاصه الافعال ابوالولید ازرقی را که در تاریخ مکه بود، خلاصه نمود.

دیگر ابوبکر بن عمر بن شهاب همدانی که مشغول تحصیل نزد حمزه بن یوسف سهمی و مدرس دروس تاریخی در رباط خاتون (۵۷۷ق) بود. (قرشی، ۱۳۹۸، ج ۸ : ۱۷-۱۶) محمد بن محمد کاشغری نحوی (د. ۷۰۵ق / ۱۳۰۵م) که مختصر بر اسد الغابه فی معرفه الصحابه ابن اثیر را در مدت ۱۴ سالی که مقیم مکه مکرمه بود، نگاشت. و عقیق بن بدر زنجانی (۶۱۸-۵۴۶ق) مشهور به العمری (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۷ : ۱۲۰) که مدرس بود. تدریس چه در حرم شریف و یا در مدارس و روابطها منبع درآمد بسیار خوبی برای مجاوران محسوب می گردید.

د: ناسخان و وراقان : برخی از مجاوران در مکه اشتغال به وراقی داشتند. اینان نیز به نسخه برداری از کتب مشغول بودند؛ که در افزایش شمارگان کتب علمی مؤثر بود. گاه این کار در مقابل دستمزد انجام می شد و یا تمایل شخصی شان برای رسیدن به هدفی عالی تر، عامل انجام آن بود. از آن جمله اند:

۱) اسد بن محسن جیهانی مشهور به «المؤید» (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۶ : ۷۹)

۲) جعفر بن محمد بن آموسان اصفهانی ملنجی. (ذهبی، ۱۴۰۸ : ۲۳۱)

۳) نصر بن محمد نهاوندی بغدادی حصری. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۳ : ۱۷۰)

۴) محمد بن ابراهیم بن احمد فارسی. (منذری، ۱۴۰۱، ج ۳ : ۱۶۵)

(۵) عبدالعزيز بن محمود بن عبدالرحمن مشهور به عصار. (ذهبی، ۱۴۰۸: ۲۶۳).

فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مجاوران

مجاوران در حیات اجتماعی و اقتصادی مکه حضوری فعال داشتند. ایشان در تعامل با اهالی شهر غیر از آنکه حامل بسیاری از آداب و رسوم جوامع اصلی خود بودند، بدون آنکه قصد انتشار آن آداب و عادات را داشته باشند، خواه ناخواه مورد تقلید واقع گشته و سبب گسترش آنها در بین اهالی مکه می‌شدند. شماری از مجاوران مکه سهمی مهم در انجام کارهای عام‌المنفعه داشتند. مجاوران حرم با تعمیر چشمه‌ها و انتقال آب آشامیدنی به مکه، نقش موثری در رفع مشکل بی‌آبی مردم ایفا کردند. آنجا سرزمینی با بارش‌های اندک بود و این اقدامات در واقع تسکین‌دهنده عطش مردمی بود که غالباً از خشکسالی و کمبود آب در رنج بودند. دانیال بن علی بن سلیمان لרستانی کردی (د. ۷۵۰ق) از شیوخ کبار مجاورین مکه و ایرانی بود. او چشمه بازان را در سال ۷۲۶ هجری بازسازی کرد و در زمینه احداث آن بیش از یکبار کوشید. طوری که به منظور دریافت کمک مالی جهت ساخت چشمه مذکور ناچار شد بیشتر از یک بار از مکه خارج شده و بازگردد. (مبارکی، ۲۰۱۶: ۱۷۹۵) دیگر حسین بن احمد سراوی عجمی (د. ۸۱۱ ق)، که وصیت کرد مبلغ ده هزار درهم از ثروتش را صرف ساختن عین عرفه نموده و پنج هزار درهم دیگر را در معماری آب صرغتمشیه مصرف نمایند. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۴۱۶). دیگر ابراهیم بن محمد بن علی معروف به ابونصر فارسی استرآبادی (د. ۴۶۶ ق) ملقب به مغیث الحرمین و برادرش علی بن محمد، تلاش‌های خیرخواهانه بسیاری داشتند. پرداخت سی هزار دینار به حاکم مکه برای بازسازی نهر زبیده و بخش‌هایی از مسجدالحرام، بازسازی مسجد هلیجه، نقره کاری ناودان کعبه، تهیه جامه کعبه و بخشش فراوان به مستمندان از جمله آنهاست. (سخاوی، ۱۳۹۹، ج ۱: ۲۵۷-۲۵۶؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۲۶۱) صالح عابد عزالدین واسطی (قرن ۸) از معدود کسانی بود که هنگام عبور جهانگرد معروف ابن بطوطه را که برای انجام حج در سال ۷۲۸ ق/ ۱۳۲۷ م به مکه آمده بود، ملاقات کرد. ابن بطوطه در این باره می‌گوید: «وی صاحب سرمایه و اموال بسیار بود که هر ساله سود آن را برایش می‌آوردند. با آن، حبوبات و خرما خریده بین ضعفا و مساکین به دست خود انفاق می‌کرد و تا هنگام وفاتش این کار ادامه داشت و این عمل خیر را ترک نکرد.» (ابن بطوطه، ۱۹۷۵، ج ۱: ۱۷۳)

در زمینه اقتصادی منابع مالی از مصادر مختلف به مجاوران می‌رسید؛ که نسبتاً متعدد بود. مهمترین و بهترین این موارد هدایایی بود که از سوی سلاطین با اهداف سیاسی و یا دینی داده می‌شد. (آل مشاری،

۱۴۰۹ : ۱۰۱) برخی دیگر از مجاوران، به کسب درآمد مشغول بودند. (دهام، ۱۴۲۸ : ۱۸۲) گروه دیگری از مجاوران دارای گشایش احوال و به تجارت اشتغال داشتند؛ به طوری که به دیگران نیز کمک می کردند. (دهام، ۱۴۲۸ : ۱۸۵) از آنجا که جامعه مکه از وجود مجاورانی که در اصل عالم و تاجر بودند، مستفیض می شد، هردو گروه به تدریج در تمام موازین اجتماعی و اقتصادی در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند. احیای جنبش تجارت در مکه، افزایش قدرت خرید و فروش و نقدینگی در میان مردم، روح مشارکت در مواقع بحرانی و بروز مشکلات از آثار نیک حضور مجاوران بود. مانند اتفاقی که در سال ۷۳۸ هجری در هنگام تعمیر و زیباسازی حرم شریف افتاد. این بازسازی در پی سیل ویرانگری بود که موجب خرابی بخشی از مسجدالحرام شده و ضروری به نظر می رسید. (مبارکی، ۲۰۱۶ : ۱۷۹۶)

یکی دیگر از فعالیت‌های خیریه عالمان مجاور احداث رباط بود. نخستین رباط‌ها توسط مسلمانان در سرحدات و ثغور برای مقابله با دشمن پدید آمد و از قرن چهارم به بعد با تغییر ضرورت‌ها، رباط‌ها در داخل شهرها و به منظور اسکان بینوایان و مسافران ساخته شد. شهر مکه نیز که از مهم‌ترین شهرهای اسلامی و محل حضور افراد بسیار برای زیارت یا اقامت بود، مقتضی ساختن رباط بود؛ زیرا این اقدام می‌توانست مشکل مسکن مسافران را حل کند و گشایشی برای آنان باشد. ابن بطوطه از ساخت رباط‌هایی در مکه و اطراف مسجد الحرام توسط ثروتمندان و امرا یاد می کند که علاوه بر تأمین مسکن مجاوران کم بضاعت، کاربرد آموزشی هم داشتند. چون رباط موفق، رباط ربیع، رباط رامشت، دار العباس بین صفا و مروه و مدرسه مظفریه (ابن بطوطه، ۱۹۷۵، ج ۱: ۱۷۲-۱۶۱). رباط‌هایی که در دوره مورد نظر توسط ایرانیان احداث گردید، بیش از ۹ رباط بود. از آنجا که برخی علما حضور دائمی در این رباط‌ها داشتند؛ از حیث انتقال علوم و آداب و فرهنگ غنی ایرانی و سنن پسندیده در میان سایر مقیمان، نقش مهم و برجسته ای ایفا کردند. ایشان با توجه به امکاناتی که در دستشان بود، بر انجام کارهای نیک اشتیاق داشتند. عیادت بیماران، بزرگداشت زائران حرم و تسلی خاطر ستمدیدگان و مستمندان (مبارکی، ۲۰۱۶ : ۱۷۸۵)، همیاری و حمایت مالی و معنوی چون اهدای هدایا و شرکت در مراسم جشن‌ها و سوگواری‌ها، باعث تعاملات متقابل بین علمای شرقی با سایر کشورها می گردید؛ که در دراز مدت منجر به پیدایش خرده فرهنگ‌ها در جامعه مکه گشت. بهترین تأثیر حضور مجاوران علاوه بر نشاط و تجدید حیات علمی به لحاظ تدریس و تألیف کتب متعدد، ایجاد رونق اقتصادی در شهر مکه بود. و رباط‌ها یکی از مراکز دستیابی به این اهداف شمرده می شد. ابن مرزوق خطیب (د. ۷۸۱ق) از شیخ ابوالحسن عجمی (قرن ۸) یاد می کند: «وی از صالحان و اولیاء خدا و بنده خاص خدا بود. ساکن رباط

خوزی، از همه منقطع، بزرگ منشی با شئونات، ذاکری درسکوت که تنها درباره اسلام سخن می گفت.» (وراکلی، ۱۳۹۹: ۱۱)

رباط ابن منده (پیش از ۳۹۵ق) قدیمی ترین رباطی که اطلاعات آن در منابع تاریخی مضبوط است. این رباط توسط محمد بن اسحاق بن منده اصفهانی، حافظ، مفسر و مؤلف بنا گردید. وی در طول عمر خویش سفرهای متعدد داشت و با ۱۶۰۰ تن از علمای اسلامی ملاقات کرد. این بنا پس از قرن نهم هجری به «رباط برهان طبری» تغییر نام داد. (مرتل، ۱۳۹۷: ۲)

رباط زرنندی (پیش از ۵۲۹ق) در مکه نزدیک کوه اجیاد در جنوب حرم به همت شیخ نجیب الدین ابوالحسن محمد بن جبرئیل از اهالی زرنند ایران بنا گردید. و وقف حاجیان و سادات اهل ساوه و زرنند شد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۵۳۵)

رباط رامشت (۵۲۹ق) نزدیک باب الحزوره در سمت غربی حرم به همت تاجر ایرانی شیخ ابوالقاسم رامشت بن حسین (د. ۵۳۴ق) بنا گردید. (فعر، ۱۹۷۹: ۳۶۲)

رباط خوزی (۶۱۷ق) و رباط بیت المؤذنین (۶۱۷ق) به دستور ابن محمود اقدری فارسی احداث گردید. رباط ابرقویی (۷۷۱ق) توسط شیخ غیاث الدین محمد ابرقویی شیرازی (د. ۷۸۵ق) احداث شد. (مرتل، ۱۳۹۷: ۹-۸)

تعداد رباط‌هایی که مخصوص زنان و وقف آنان بود، بیش از مردان بود. چون رباط بعدانی (۸۰۶ق) و رباط عطیه بن خلیفه (حدود ۸۲۷ق). رباط‌هایی نیز وقف صوفیه بود که توسط ایرانیان احداث گردیده بود. چون رباط مراغی (۵۷۵ق) در مجاورت باب الجنائز به همت ابوبکر محمد بن عبدالله مراغی (د. ۵۹۰ق) بنا و وقف گردید. (فاسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۵۳۷)، و رباط خاتون (۵۷۷ق) که به همت بانوی ایرانی شریفه فاطمه دختر شریف حسنی محمد بن انوشیروان برای اسکان مردان صوفی بنا گردید. (ابن فهد، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۴۴) مجموع رباط‌های ساخته شده در مکه از قرن چهارم تا پایان عصر مملوکی حدود هشتاد رباط بوده است. (داداش‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۷) در قرون ششم تا نهم هجری که بیشترین ساخت رباط در مکه انجام گرفت، ایرانی‌ها در رتبه اول و ساکنان حاشیه دریای مدیترانه و شامات در رتبه دوم احداث قرار داشته‌اند. (مرتل، ۱۳۹۷: ۱۰) محمد بن عبدالله بن عبدالرحیم (د. ۵۹۰ق) مجاور و واقف رباط المراغی (۵۷۶ق) بود. (فاسی، ۱۹۹۹، ج ۲: ۵۹۱؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۶۷) احمد بن ابراهیم بن عبدالملک قنجیری (د. ۶۲۷ق) رباط تمیمی را در شرق کوه مروه جهت حمایت و استفاده فقرا و صوفیان عرب و عجم ساخت، و درآمدهای حمامی عمومی در حوالی اجیاد در

جنوب حرم، وقف آن گردید. (فاسی، ۱۴۰۵، ج: ۱، ۵۳۲) تاریخ وقف این رباط دهه دوم از ماه شوال سال ۶۲۰ است که بر سنگی در همان رباط حک شده است. همه فقرا، از نیکومنشان و متدینین متاهل و مجرد می‌توانستند در یکی از غرفه‌های این رباط زندگانی نمایند. (سخاوی، ۱۳۹۹، ج: ۱، ۹۶؛ فاسی، ۱۴۰۵، ج: ۳، ۸) ساخت رباط‌ها تنها به مردان محدود نمی‌شد و زنان نیز در این امر شراکت داشتند.

بانوان شرقی مجاور مکه، با هر آنچه که در امکاناتشان بود و با تکیه بر همسر یا پدران خویش همراه با مکتب مالی که می‌توانست شخصی یا حاصل پیوندهای نسبی و یا سببی باشد، امکان حضور اجتماعی و فرهنگی را بیش از پیش یافتند. از قرن هفتم به بعد در ایران، هند، مصر و عراق زنان حتی به حاکمیت رسیدند که نمونه بارزی از حاکمیت قدرت و مدیریت زنان بود. در عرصه فعالیت‌های اجتماعی زنان در سه طبقه جای داشتند. برگزیدگان و وابستگان حکومتی، زنان آزاد از طبقات عامه و کنیزان که هر یک به فراخور جایگاه اجتماعی از آزادی و حقوقی متفاوت برخوردار بوده و امکان اشتغال در حرف خاص خود را خارج از منزل داشتند. در زمینه علمی زنان از حق آموزش برخوردار بودند و روش‌های آموزش و مکان‌های آموزش و استفاده از محضر اساتید مرد با رعایت حدود شرعی کاملاً بلامانع بود. (عبدالرزاق، ۱۹۹۹: ۳۴) در زمینه فعالیت‌های فرهنگی زنان به ویژه در بخش‌های مربوط به فرهنگ عامه، برپایی مراسم و آئین‌های مذهبی و غیرمذهبی و در هنرهایی همچون موسیقی، خوشنویسی و شعر و ادب و نیز در انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه از قبیل بنای رباط‌ها، مدارس و جوامع، یاری رساندن به مستحقان و مستمندان و اختصاص دادن موقوفات با نهایت خلوص و عشق، فعال بودند. چنانکه در مجموع از ۷ سرزمین اسلامی-اندلس، مصر، شام، عراق، ایران، مغرب و یمن- تنها در قرن نهم هجری، ۱۴ رباط به همت ایشان احداث گردید.

منابع از شش زن از اهالی ایران، شام و عراق بانیان رباط در مکه در قرون ششم تا نهم نام برده اند. (مرتل، ۱۳۹۷: ۱۰-۴) از جمله آنها: تاج‌النساء بنت رستم بن ابی الرجاء بن محمد الاصبهانی، وی شصت و چند سال زیست و در مکه در سال ۶۱۰ ق وفات یافت. وی بزرگ تصوف و ساکن مکه بود که در نزدیکی کوه اجیاد در مکه مکرمه رباط بنت التاج (پیش از ۶۲۹ ق) را تجدید بنا کرد و این نام را بر آن نهاد. (فاسی، ۱۴۰۵، ج: ۸، ۱۹۲-۱۹۱) از دیگر بانوان ایرانی ام سلیمان (د. ۸۰۲ ق) بانی زاویه ام سلیمان (۷۷۲ ق) است که از زهاد متصوفه مکه بود. (فاسی، ۱۴۰۵، ج: ۱، ۵۳۴) و دیگر ام الحسین (د. ۷۸۶ ق) دختر قاضی شهاب الدین طاهری طبری و همسر قاضی ابوالفضل نویری است که اجازه تدریس فقه و کلام داشت.

وی رباط ام الحسین (۷۸۴ق) و مدرسه ای برای یتیمان و سقاخانه ای نیز بنا نمود. (فاسی، ۱۹۹۹، ج ۸: ۳۳۱)

نتیجه گیری

علمای مجاور شرقی در حیات اجتماعی و فرهنگی مکه سهم قابل توجهی داشتند. بنابر داده های منابع بیشتر مجاوران مکه اهل عراق و ایران بودند. در احیای جنبش علمی مکه و بهبود اوضاع اجتماعی، علمی و فرهنگی مکه، نقش مجاوران حرم مهم، درخور توجه، و غیرقابل انکار بود. در احیا و شکوفایی حیات اقتصادی مکه در عصر مملوکی نقش این مقیمان حرم برجسته و در آرام کردن بحران های اقتصادی جامعه مکه قابل تأمل است زیرا وقوع این بحران ها و تنش ها باعث تضعیف و رنج مردم مکه بود. نقش مجاوران در انجام بسیاری از اعمال بشردوستانه در مکه مکرمه چون بازسازی چشمه ها و هموار کردن جاده ها و محل عبور و مرور که تاثیر آشکاری در پیشرفت و رونق تجارت مردم مکه داشت. انجام امور خیریه و کارهای خداپسندانه متنوع از دیگر وجوه ماندگاری و جذب مجاوران مکه در دوره خاص مورد بحث ماست. ظهور مدارس و افزایش تعداد روابط همگان با دوره مورد نظر ما، و امکانات ارائه شده در آنها جهت دانش اندوزی طلاب، نقش مهمی در ترغیب و تشویق بسیاری از فرزندان جهان اسلام را برای سکونت دائم در مکه یا مجاورت موقت، ایفا می کرد. این مقیمان حرم تاثیر علمی بسیاری در مکه داشتند زیرا به جریان پیشرفت های علمی مدد می رساندند. نقش مثبت ایشان، باعث گردید مکه در آن دوران به یکی از شهرهایی تبدیل شود که جویندگان علم و معرفت، به سوی آن جذب گردند. به یقین، این مسئله در مسجدالحرام باعث شد این مکان مقدس در زمره مهم ترین موسساتی قرار گیرد که بخشی از فعالیت علمی مسلمانان در آن بروز و ظهور می یافت. از آنجا که این محل یکی از بزرگترین مجامع علمی به حساب می آمد، در نشر علم، نقش بسیار موثر و برجسته ای داشت لذا مجاوران حرم تاثیر فراوانی در پیدایش تعداد کثیری از محافل علمی در مکه داشتند که متمرکز بر علوم دینی بود.

منابع

آل مشاری، منی حسن (۱۴۰۹ق). المجاورون فی مکة و المدینة فی العصر المملوکی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملک سعود ریاض.

ابن بطوطه، ابوعبدالله محمد لواتی (۱۹۷۵م). تحفه‌النظار فی غرایب الامصار و عجایب الاسفار، تصحیح منتصر کنانی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۱.

ابن تغری بردی، جمال الدین یوسف (۱۳۴۸ق). النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، تصحیح زکی العدوی، قاهره: دار الکتب المصریة.

ابن رجب، عبد الرحمن بن احمد الحنبلی (۱۳۷۳ق). ذیل علی طبقات الحنابلة، تصحیح محمد الفقی، قاهره: بی نا.

ابن عدیم، کمال الدین (بی تا). بغیة الطلب فی تاریخ حلب، بیروت: دار الفکر.

ابن فرضی، عبدالله بن محمد بن یوسف (۱۹۵۴م). تاریخ العلماء و الرواة للعلم بالاندلس، تصحیح کودیرا، قاهره: مؤسسة التالیف و الترجمة.

ابن فهد، نجم الدین عمر بن محمد هاشمی مکی (۱۴۰۴ق). اتحاف الوری باخبار ام القرى، تصحیح فهیم محمد شلتوت، مکه: احیاء التراث اسلامی، ج ۲.

ابن کثیر دمشقی، ابو الفداء عماد الدین اسماعیل بن عمر (۱۳۵۰ق). البداية و النهایة، تصحیح عبدالحفیظ سعد عطیه، قاهره: المطبعة السعادة.

ابن نقطه، محمد بن عبد الغنی (۱۴۰۷ق). التقیید لمعرفة الرواة والسنن و المسانید، بیروت: دارالحديث.

باقاسی، عایشه عبدالرحمن (۱۴۰۳ق). بلاد الحجاز فی العصر الايوبي، مکه: دار مکه.

بوتشیش، ابراهیم القادری (۱۴۳۳ق). «العلماء المجاورون بمکه: نموذج للملتقیات العلمية بمکه فی العصر الوسيط»، ثقافتنا، شماره ۳۳.

ترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی (۱۹۹۶م). الجامع الکبیر، تصحیح بشار معروف، بیروت: دارالغرب اسلامی، ج ۶.

توهامی، مکاتی (۲۰۱۲م). «علماء المغرب الأوسط المجاورین لمکه و المدينة و اسهاماتهم فی علوم القرآن و علم الحديث»، مجلة المتون، العدد ۲.

جعفریان، رسول (۱۳۹۳). «حجاج شیعی در دوره صفوی»، میقات حج، شماره ۴.

داداش نژاد، منصور (پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش). «رباط رامشت: خدمات و اقدامات تاجری ایرانی در مکه در سده ششم هجری»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۸.

دمیاطی، احمد بن أبیک حسامی (۱۴۰۶ق). المستفاد من ذیل تاریخ بغداد لابن النجار، تصحیح محمد مولود خلف، بیروت: مؤسسة الرسالة.

دهام، صفا بنت نزال بن عبدالله (۱۴۲۸ق). المجاورون فی مکه و اثرهم فی الحیاة العلمیة، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیة.

ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان (۱۴۰۸ق). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تصحیح بشار عواد معروف و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.

ذهبی، شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن عثمان (۲۰۰۴م). سیر اعلام النبلاء، تصحیح حسان عبد المنان، بیروت: بیت الافکار الدولیه.

رنجبر، محسن (زمستان ۱۳۸۳ش). «معرفی و بررسی مقتل الحسین خوارزمی»، تاریخ اسلام در آیین پژوهش، شماره ۴.

سبکی، تاج الدین عبد الوهاب بن علی بن تمام (۱۴۱۳ق). طبقات الشافعیه الکبری، تصحیح عبد الفتاح الحلو و محمود الطناحی، بیروت: دار هجر.

سحاوی، شمس الدین محمد بن عبد الرحمن (۱۳۹۹ق). التحفه اللطیفه فی تاریخ المدینه الشریفه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سنیدی، عبدالعزیز بن راشد (۱۴۲۶ق). المجاورون فی مکه و أثرهم فی الحیاة العلمیه خلال الفتره من ۶۶۰-۵۷۰ق/ ۱۲۶۱-۱۱۷۴م، مکه: ندوة مکه المکرمة العاصمة الثقافه الاسلامیه.

صفدی، صلاح الدین خلیل بن ائیک (۱۴۲۰م). الوافی بالوفیات، تصحیح احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.

عبدالرزاق، احمد (۱۹۹۹م). المرأة فی المصر المملوکیة، قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب. عبیکان، طرفه عبدالعزیز (۱۴۱۶ق). الحیاة العلمیه و الاجتماعیه فی مکه فی القرنین السابع و الثامن للهجرة، ریاض: مكتبة الملك فهد الوطنیه.

فاسی، ابو الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی (۱۴۰۵ق). العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، تصحیح فواد السید، بیروت: مؤسسه الرساله.

فاسی، ابوطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی (۱۹۹۹م). شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، مکه: مكتبة النهضة الحديثه، ج ۲.

فهر، محمد بن فهد (۱۹۷۹م). تطور الكتابات و النقوش فی الحجاز منذ فجر الاسلام حتى منتصف القرن السابع الهجری، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعة الملك عبدالعزيز.

فریق عناد، وجدان (۲۰۱۸م). «المجاورون الأندلسيون والمغاربة فی مکه المکرمة فی رحلة ابن بطوطة»، سر من رأى، العدد ۵۴.

قرشی، عبدالقادر بن محمد بن محمد (۱۳۹۸ق). الجواهر المضية فی طبقات الحنفیه، تصحیح عبد الفتاح محمد الحلو، قاهره: مطبعة عيسى البابي، ج ۳.

مالکی، سلیمان عبدالغنی (۱۴۰۳ق). بلادالحجاز منذ بداية عهد الاشراف حتى سقوط الخلافة العباسية في بغداد، رياض: دارالملك عبدالعزيز.

مبارکی، فاطمه (۲۰۱۶م). «اثر العلماء المجاورين في التأثير على الحياة العلمية والاقتصادية في مكة في العصر المملوكي»، المجلة العلمية لكلية أصول الدين والدعوة بالزقازيق جامعة الأزهر، شماره ۲۸. مراكشي، محمد بن محمد بن عبد الملك (بی تا). الذیل و التكملة لكتابی الموصول و الصلة، تصحيح احسان عباس و محمد بن شریفه، بیروت: دار الثقافة.

مرتّل، ریچارد (تابستان ۱۳۹۷ش). «رباطهای مکه در قرون میانه اسلامی»، ترجمه محمد حسین رفیعی، میقات حج، شماره ۱۰۴.

مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد (۱۳۷۸ش). تجارب الامم، تهران: دارالسروش و الطباعة. مقرئ تلمسانی، احمد بن محمد (۱۹۶۸م). نفح الطیب فی غصن الاندلس الرطیب و ذکر وزیرها لسانالدين بن الخطیب، تصحيح احسان عباس، بیروت: دار صادر. منذری، عبدالعظیم بن عبد القوی (۱۴۰۱ق). التكملة لوفیات النقلة، تصحيح بشار عواد معروف، بیروت، موسسه الرسالة.

وراکلی، حسن (۲۰۱۱م). «تراث ابن مرزوق التلمسانی الخطیب مصدر التاريخ المجاورين بمكة المكرمة و المدينة المنورة فی القرن الثامن الهجری»، الفضاء المغاربي، ۹(۲)، ۱۲-۲۷.